

آشنایی با تعزیرات

نعمت الله یوسفیان

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده

در هر جامعه‌ای قوانین و مقررات اجتماعی گاه زیر پا گذاشته می‌شود. برخی از روی سہو و خطا دست به چنین کاری می‌زنند و جرایمی را مرتکب می‌شوند. برخی از روی عمد قانون شکنی می‌کنند، در میان این افراد اقلیتی نیز وجود دارند که نه تنها پایبند قوانین و احکام نیستند، بلکه از قانون شکنی لذت می‌برند و از آن بالاتر گاهی به آن افتخار می‌کنند. این گونه افراد برای هر جامعه‌ای خطر دارند و یکی از مهم‌ترین راه‌های پیش‌گیری از خطا کارهای چنین کسانی استفاده از مجازات‌های عادلانه است. «تعزیرات» یکی از این مجازات‌ها است.

تعزیرات چیست؟ چه تفاوتی با حدود دارد؟ منظور از تعزیرات شرعی و حکومتی چیست؟ دلایل جواز شرعی تعزیر چیست؟ موارد تعزیر در فقه امامیه کدام‌اند؟ وسایل تعزیر چیست؟ پرسشهایی از این قبیل را مقاله حاضر متکفل پاسخگویی است.

کلیدواژه‌ها: تعزیر - حد - تعزیرات شرعی - تعزیرات حکومتی.

مقدمه

از رموز جاودانگی اسلام، وجود قوانین مترقی و جامع در نظام حقوقی آن، برای برقراری عدالت، نظم عمومی، امنیت اجتماعی و پیش‌گیری از جرایم است. این قوانین طوری طراحی شده است که قابلیت انطباق با نیازهای هر زمان را دارند.

در این نظام حقوقی مجازاتهایی که برای مرتکبان جرایم اعمال می‌شوند به چهار دسته تقسیم می‌گردند که عبارتند از: «حدود»، «قصاص»، «دیات» و «تعزیرات».^۱

در میان این مجازاتها قصاص و دیات، جنبه شخصی و خصوصی دارند که با درخواست مجنی علیه یا اولیای دم، بر مجرم اعمال می‌شوند. از این رو، مجازات باید متناسب و برابر با جرم مقرر گردد. البته طبیعی است که هر کدام از این دو اثر اجتماعی و بازدارندگی خاص خود را نیز دارد و آیه شریفه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۷۹) ناظر به همین اثر اجتماعی است؛ ولی در اصل جنبه خصوصی و شخصی آنها غلبه دارد.

حدود و تعزیرات برای نظم و سلامت جامعه مقرر شده‌اند و جنبه عمومی دارند. از این رو، در بسیاری موارد رضایت مجنی علیه تأثیری در اجرای مجازات ندارد؛ در عین حال که گاه حتی در حدود هم جنبه خصوصی و شخصی آن ملحوظ است و با عفو شاکی خصوصی، حد ساقط می‌شود مانند حد قذف که با عفو قذف شونده یا ورثه او، ساقط می‌گردد.^۲

به هر حال، حدود و تعزیرات در ردیف هم و در مقابل قصاص و دیات قرار دارند؛ ولی تفاوتی نیز با یکدیگر دارند که خواهد آمد. آنچه در این نوشتار می‌آید، توضیحاتی است درباره «تعزیرات» که با هدف آشنایی خوانندگان عزیز با این حکم شرعی الهی تقدیم می‌گردد.

مفهوم‌شناسی

برای «تعزیر» معانی متعددی در لغت عرب ذکر شده است. معانی زیر از جمله آنها است:

۱. منع و رد: این اثر گوید: «اصل معنای «تعزیر» جلوگیری و رد کردن است... به تأدیبی که کم‌تر از حد است تعزیر گویند؛ زیرا مجرم را از گناه بازمی‌دارد.»^۳ در لسان العرب آمده است: «تعزیر یعنی جلوگیری و بازداشتن؛ برای اینکه مجرم را از تکرار جرم بازمی‌دارد و از ارتکاب معصیت روی گردان می‌کند.»^۴

۲. تأدیب: در لسان العرب آمده است: «اصل «تعزیر» به معنای تأدیب است. به همین مناسبت به زدن کم‌تر از حد تعزیر گویند؛ چرا که چنین زدن خود نوعی ادب کردن است.»^۵ چنان که در صحاح اللغة نیز آمده: «تعزیر یعنی ادب کردن. از این رو، زدن کم‌تر از حد را تعزیر نامند.»^۶

۳. کمک کردن: در اقرب الموارد آمده: «عَزَّرَ زَيْدًا یعنی او را کمک و تقویت کرد و با زبان و شمشیر باری‌اش کرد.»^۷ در نه‌پایه می‌نویسد: «کسی را کمک کردی یعنی دشمن را از او دفع

کردی و مانع اذیت او شدی. از این رو، به تنبیه کم‌تر از حد، تعزیر می‌گویند؛ زیرا با تنبیه از تکرار جرم جلوگیری می‌شود.^۸ در مفردات نیز آمده است: «تعزیر عبارت است از یاری کردن همراه احترام و تعظیم و به زدن کم‌تر از حد نیز گفته می‌شود و برگشت این معنا به همان معنای اول است؛ زیرا زدن نوعی تأدیب است و تأدیب هم نوعی کمک کردن به مجرم به حساب می‌آید.»^۹ تعزیر در آیه شریفه «لَتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعَزَّوهُ»^{۱۰} به معنای یاری کردن به کار رفته است؛ چنان که در آیه شریفه «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّوْتُمْهُمْ...»^{۱۱} به معنای نصرت و تعظیم یا یاری کردن توأم با تعظیم آمده است.

۴. تعظیم، تفخیم و بزرگداشت؛^{۱۲} تعزیر در آیه شریفه «... فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^{۱۳} به قرینه «نَصَرُوهُ» باید به معنای تعظیم و بزرگداشت به کار رفته باشد.

۵. با شدت زدن: در قاموس اللغة و لسان العرب آمده است: «تعزیر ضرب شدید را گویند.»

۶. پای‌بند کردن به دینداری و... واداشتن به فرایض و احکام.^{۱۴}

۷. سرزنش و ملامت.^{۱۵}

برای تعزیر در اصطلاح شرع نیز تعریف‌های مختلفی از جانب فقها ذکر شده است؛ به عنوان نمونه، محقق در شرایع گوید:

هر مجازات معینی را که شرع مقدس برای جرمی تعیین کرده است «حد» و هر نوع

مجازات‌ی که تعیین نفرموده است، «تعزیر» گویند.^{۱۶}

شهید ثانی در مسالک می‌نویسد: «تعزیر در اصطلاح شرع عبارت از عقوبتی است که در

غالب موارد از طرف خود شارع اندازه‌ای برای آن معین نشده است.»^{۱۷}

اینکه شهید ثانی قید «غالب موارد» را در تعریف خود آورده، بدین جهت است که این

تعریف گناهایی را که برای آنها از طرف خود شارع، تعزیری معین شده، شامل شود.^{۱۸}

ماوردی می‌نویسد:

«تعزیر تأدیب برای گناهایی است که در شرع مقدس مجازاتی برای آن تعیین نشده است و

حکم تعزیر، متناسب با اختلاف کیفیت گناه و اختلاف فاعل آن متفاوت می‌شود.»^{۱۹}

در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه آمده است: «تعزیر عبارت است از تأدیب به اموری

که حاکم آن را برای عدم ارتکاب مجدد کار حرام کافی می‌داند. بنابراین، هر کس کار

حرامی مرتکب شود که حدّ، قصاص و کفّاره ندارد، حاکم می‌تواند هر طور که مصلحت می‌بیند، مجرم را به انواع تعزیر [تنبیه بدنی، زندان، یا توبیخ] مجازات کند و از ارتکاب مجدد کار حرامش بازدارد.^{۲۰}

در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی درباره تعریف تعزیر چنین آمده است: «تعزیر، تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلّاق که میزان شلّاق بایستی از مقدار حدّ کمتر باشد.»^{۲۱}

فرق حدّ و تعزیر

با توجه به تعریف مورد نظر در اصطلاح شرع، فرق عمده حدّ و تعزیر در فقه اسلامی روشن می‌شود؛ زیرا حدّ از هر نظر معین و محدود است و «نوع»، «کیفیت» و «کمیت» آن در شرع مشخص شده است؛ ولی تعیین دقیق تعزیر برعهده حکومت اسلامی و حاکم شرع واگذار شده است که بایستی با در نظر گرفتن کیفیت، کمیت، نوع جرم، شخص مجرم، زمان و مکان و سایر خصوصیات، مجازات لازم را مشخص و اجرا کنند.

اسلام در تعزیرات، دست حکومت اسلامی و حاکم شرع را برای مجازات مجرمان - با توجه به شرایط و ویژگیهای زمان - بازگذاشته و اختیارات نسبتاً وسیعی به آنها داده تا بتوانند نیازهای هر زمان را برآورند. گذشته از این، فرقه‌های دیگری نیز بین حد و تعزیر ذکر کرده‌اند که بعضی از آنها به قرار زیر است:

- تعزیرات از نظر قلّت اندازه‌ای ندارد؛ ولی از نظر کثرت باید کم‌تر از حدّ باشد؛

- در اجرای تعزیرات تفاوتی بین مولا و عبد نیست، بلکه آنها برابرند؛

- در جرایم بزرگ و کوچک و مهمّ و غیر مهمّ، تعزیر متفاوت است. برخلاف حدّ، که به

مجرم وقوع جرم لازم می‌شود؛ مثلاً حکم سرقت هزار دینار و یک دینار، یکی است و نیز در حکم شراپخواری فرقی بین یک قطره و بیش‌تر نیست؛

- تعزیر با توبه مجرم ساقط می‌شود؛ ولی توبه تنها در صورتی مسقط حدّ است که قبل از

قیام بیّنه باشد؛

- حاکم در اجرای انواع تعزیر مخیر است؛ در حالی که در حدود تنها در محاربه تخییر

برای حاکم ثابت است؛

- تعزیر به حسب فاعل، مفعول و جنایت متغیّر می‌شود برخلاف حدود؛

- در صدق اهانت، شهرها و مناطق متفاوت اند. بنابراین، ممکن است عملی در شهری اهانت شمرده شود و در شهر دیگر چنین نباشد و طبعاً در اجرای تعزیر مراعات همان شهر ضروری است؛

- تعزیر به حقّ الله و حقّ الناس تقسیم می‌شود؛ در حالی که حدود، حق الله است و تنها در قذف اختلاف است؛

- در گناهان کوچک تنها تعزیر سبک جایز است؛^{۲۲}

- در حدود، قاضی و حاکم حق عفو و بخشش ندارد؛ اما در تعزیرات حاکم می‌تواند از اجرای حکم تعزیر صرف نظر کند؛

- قاضی و حاکم در حدود، حق کم یا زیاد کردن مجازات را ندارد؛ ولی در تعزیر تشخیص مصلحت با حاکم و قاضی است؛

- در حدود، کیفیات مخفّفه راه ندارد برخلاف تعزیر است؛^{۲۳}

- اثبات حدود با یک شاهد ممکن نیست، بلکه در برخی موارد چهار و در برخی نیز دست کم دو شاهد لازم است، برخلاف تعزیرات که با یک شاهد قابل اثبات است؛^{۲۴}

- در حدود، شفاعت جایز نیست، نه برای حاکم که شفاعت بپذیرد و نه برای شفیع که واسطه شود برخلاف تعزیرات.^{۲۵}

مشروعیت تعزیر

برخی دلایل مشروعیت تعزیر در فقه اسلامی عبارت است از:

- عملکرد و سیره پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام که در موارد معینی گناهکاران را کم‌تر از حدّ شرعی تعزیر می‌کردند. در این مورد روایات فراوانی در منابع اسلامی آمده است. به عنوان نمونه، رسول خدا(ص) حکم بن ابی العاص را چون - العیاذ باللّٰه - برای تمسخر آن حضرت حرکاتشان را تقلید کرد، به طائف تبعید کرد.^{۲۶}

سه نفر از مسلمانان به نام «کعب بن مالک»، «مرارة بن ربیع» و «هلال بن امیة» از شرکت در جنگ تبوک و حرکت همراه پیامبر(ص) تخلف کردند. هنگامی که حضرت از صحنّه تبوک به مدینه بازگشت، خدمتش رسیدند و عذرخواهی کردند، اما پیامبر(ص) حتی یک جمله با آنها سخن نگفت و به مسلمانان نیز دستور داد که احدی با آنها سخن نگوید. آن حضرت به مردی مخنّث برخورد کرد که دستها و پاها را حنا بسته بود.

پرسید: این مرد چرا چنین کرده است؟ پاسخ دادند که ادای زنان را درمی آورد. دستور داد او را به تقیع (ناحیه‌ای از مدینه) تبعید کردند. گفتند: «یا رسول الله او را بکشیم؟» فرمود: «من از کشتن اهل نماز نهی شده‌ام.»^{۲۷}

از امام صادق (ع) نقل است که در کتاب امیرالمؤمنین (ع) آمده: آن حضرت با شلاق و نصف شلاق و جزئی از شلاق، حد جاری می‌کرد و حتی چون پسر بچه و یا دختر بچه غیر ممیزی را پیش او آوردند، اجرای حد را تعطیل نکرد. آن حضرت، میان شلاق یا یک سوم آن را می‌گرفت و به تناسب سن، آنها را می‌زد و بدین ترتیب اجرای هیچ حدی را مهمل نمی‌گذاشت.^{۲۸}

وقتی امام علی (ع) شاهد دروغگویی را دستگیر می‌کرد، اگر غریبه بود، او را نزد پایفهاش می‌فرستاد و اگر بازاری بود، او را به بازاری می‌فرستاد که در آن مشغول تجارت بود و در آنجا او را می‌گرداندند. سپس چند روزی زندانی کرده، پس از آن آزادش می‌ساخت.^{۲۹}

مردی را نزد حضرت آوردند که گوشواره‌ای را از گوش دختری ربوده بود. امام فرمود: «این کار پست آشکاری است. او را کتک زده، زندانی کرد.»^{۳۰}

از امام باقر (ع) نقل شده که فرمود: «امیر مؤمنان در مورد هجو کردن، حکم به تعزیر کرده است.»^{۳۱}

- در شریعت مقدس اسلام حفظ نظام مادی و معنوی جامعه و اجرای احکام طبق ضوابط شرعی اهمیت بسزایی دارد و به لحاظ همین اهمیت است که حاکم شرع حق دارد با افراد متخلف و مُخَلِّ نظام جامعه اسلامی برخورد کند و آنها را تأدیب و تعزیر نماید.^{۳۲}

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^{۳۳} می‌فرماید:

منظور از احیای زمین در این آیه، احیا با نزول باران نیست؛ بلکه منظور این است که خداوند تعالی مردانی را برمی‌انگیزد که عدالت را احیا می‌کنند و در نتیجه زمین با احیای عدل، جان می‌گیرد و زنده می‌شود و اقامه حد در زمین از باران چهل روز سودمندتر است.^{۳۴}

- روایات و احادیث فراوانی در ابواب مختلف فقه وارد شده که از آنها می‌توان حکم تعزیر را به دست آورد. به عنوان نمونه، بنابر فرموده امام معصوم مردی که با زن حایض خود مباشرت کرده باید استغفار کند و دیگر تکرار نکند. تعزیر چنین شخصی آن است که ۲۵ ضربه شلاق در حال ذلت به او زده شود؛ زیرا او (نوعی) زنا انجام داده است.^{۳۵}

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ کودکی پرسیدم که سرقت کرده است. حضرت فرمود: «تا دو مرتبه از او درمی‌گذرند و برای بار سوم تعزیر می‌گردد. اگر دوباره سرقت کرد، باید سر انگشتانش را قطع کنند. هر گاه برای بار پنجم سرقت کرد، باید پایین‌تر از سر انگشتان او را قطع کنند.»^{۳۶}

همین راوی گوید از آن حضرت دربارهٔ دو مرد پرسیدم که به یکدیگر افترا بسته‌اند. فرمود: «حدّ از آن دو دفع می‌شود و باید تعزیر گردند.»^{۳۷}

سماعه گوید: از امام صادق (ع) دربارهٔ مردی پرسیدم که با چارپا، گوسفند، شتر یا گاو نزدیکی کرده. فرمود: «[به عنوان تعزیر] باید شلاق‌ی غیر از حدّ بخورد. سپس از شهرش به شهری دیگر تبعید شود.»^{۳۸}

جرایم تعزیری

همهٔ کارهایی که انجام دادن یا ترک آنها در شرع، ممنوع و حرام شمرده شده و شارع مقدّس برای آنها کیفرهایی مقرر کرده است، جرم محسوب می‌شوند.

جرایم در فقه اسلامی چهار دسته‌اند:

۱. گناهانی که موجب «حدّ» می‌شوند؛ مانند زنا و لواط آن، قذف، شرابخواری، سرقت، محاربه با خدا و رسول و ارتداد؛

۲. جنایاتی که موجب «قصاص» می‌شوند؛ مانند قتل عمدی، نقص عضو، ضرب و جرح؛

۳. جرایمی که موجب «دیات» می‌گردند؛ مانند قتل شبه عمد، قتل خطای محض^{۳۹}، جنایت بر اندامهای بدن از قبیل آسیب وارد کردن بر سر و صورت، دست و پاها، چشم، بینی، گوشها، لبها، زبان، دندانها، گردن و... همچنین جنایت بر حواس بدن از قبیل حسّ شنوایی، بینایی، بویایی و چشایی؛

۴. اعمالی که موجب تعزیر می‌شوند؛ مانند جرایم، اعمال و گناهانی که در شرع برای آنها حدّ معین نشده است. این جرایم نیز به نوبهٔ خود بر دو گونه است:

اول. جرایمی که همواره در جامعه وجود داشته‌اند و به عنوان جرم شناخته می‌شوند و در زمان شارع هم بوده‌اند و برای آنها مجازاتی به طور مشخص تعیین نشده است؛ مانند ترک واجبات و ارتکاب محرمات همچون اعمال منافی عفت که به حد زنا نرسند، یا سرقتیایی که دارای شرایط اجرای حد نباشند. امام خمینی قدس سره فرماید:

کسی که واجبی را ترک کند، یا حرامی را انجام دهد، امام علیه السلام و نایب او حق دارد او را تعزیر نماید به شرطی که از گناهان کبیره باشد.^{۴۰}

کیفری که در مورد این دسته از جرایم تعزیری اعمال می‌شود «تعزیر شرعی» نامیده می‌شود و نوع و مقدار آن - همان طور که ذکر شد - در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم شرع واگذار شده است.

دوم، اعمالی که برحسب زمان و مکان از ناحیه حکومت اسلامی ممنوع اعلام می‌شود یا تکالیف و الزاماتی که حکومت بر افراد اعمال می‌کند و ضمانت اجرای تخلف از الزامات حکومت یا ممنوعیتهایی که برقرار کرده مجازات تعزیری است که هم اکنون این نوع مجازاتها را «مجازاتهای بازدارنده» یا «تعزیرات حکومتی» می‌نامند.^{۴۱}

کیفیت مجازاتهای تعزیری

از مهم‌ترین مباحث تعزیرات، کیفیت مجازاتهای تعزیری است. بدون شک تعزیر از طریق «ضرب با تازیانه» یا در نظر گرفتن «کمیت» و «کیفیت جرم» و وضع و حال مجرم مجاز است؛ اما سخن در این است که آیا زندان و حبس انفرادی یا دسته‌جمعی با اعمال شاقه و بدون آن نیز از انواع تعزیر است؟

از این بالاتر، آیا مجازاتهای جسمی و روحی دیگر نیز تحت این عنوان وارد است؟ برای مثال سرزنش و ملامت خفیف و یا شدید، معرفی مجرم به اجتماع و اعلام نام و جرم او در جایی که برای پیشگیری از تکرار گناه مؤثر باشد، همچنین محروم کردن موقت از برخی مزایای اجتماعی همچون جلوگیری موقت از کسب و کار کسی که - مثلاً - مرتکب گران‌فروشی شده است و جریمه مالی در موارد مختلفی مانند تخلفات رانندگی و هر موردی که شلاق زدن، ممکن یا مفید نباشد و تبعید کردن و انواع مجازاتهای معقول و حساب شده دیگر. خلاصه اینکه آیا مجازاتهای تعزیری منحصر به تازیانه زدن یا انواع دیگر مجازاتها را نیز شامل می‌شوند؟

در غالب کتابهای فقهی، مجازاتهای تعزیری در شکل تازیانه که از نظر حداقل مقدار معینی ندارد و حداکثر آن باید کم‌تر از مقدار حدّ باشد، منعکس شده است و کم‌تر از انواع دیگر تعزیر سخنی به میان آمده است، تا آنجا که بسیاری گمان کرده‌اند مجازاتهای تعزیری

منحصر در تازیانه زدن است. ولی هیچ الزامی وجود ندارد که اطلاعات ادله شرع و روایات وارده در باب تعزیرات را به خصوص «تازیانه زدن» تفسیر کنیم، بلکه در باور ما تعزیر مفهومی گسترده دارد و انواع عقوبتها، تویخها، اهانتها و مجازاتهایی را دربرمیگیرد که برای تأدیب مجرمان و تبهکاران روا می‌شود و آنچه بعضی از اهل لغت و بسیاری از فقها گفته‌اند در حقیقت بیان یکی از مصادیق روشن مجازاتهای تعزیری است.

برخی از دلایل عدم انحصار مجازاتهای تعزیری در «تازیانه زدن» عبارت است از:

۱. مفهوم لغوی تعزیر، همان طور که در تبیین مفهوم لغوی تعزیر گذشت، طبق تصریح بسیاری از ارباب لغت تعزیر به معنای «منع» یا «نصرت و یاری کردن» است. هرگاه مفهوم تعزیر، منع و جلوگیری باشد، باید سراغ اموری برویم که مجرم را از تکرار جرم بازدارد، خواه تازیانه باشد یا حبس و تبعید و یا غیر آنها.

البته در مواردی که نص خاصی از طرف شارع مقدس وارد شده است، به مقتضای نص باید عمل کرد.

چنانچه تعزیر به معنای «یاری کردن» باشد، منظور این است که مجرم را به وسیله مجازات و تأدیب یاری دهیم که بر خویشتن مسلط شود و از تکرار گناه خودداری کند. به این ترتیب، در مفهوم لغوی تعزیر محدودیتی نیست اگر چه بیش تر آن را به معنای ضرب که از مصادیق «منع» و «نصرت» است، تفسیر کرده‌اند.

۲. از سخنان جمعی از فقهای بزرگ استفاده می‌شود که تعزیر معنایی وسیع و گسترده دارد و انواع مجازاتها را شامل می‌شود؛ برای مثال مرحوم محقق در شرایع می‌فرماید:

«كُلُّ مَا لَهُ عَقُوبَةٌ مَقْدَرَةٌ يَسْمَى حَدًّا وَ مَا لَيْسَ كَذَلِكَ يَسْمَى تَعْزِيرًا»^{۴۲}

تعبیر به «عقوبت» که مفهومی وسیع دارد، به ویژه در اینجا که مقابل لفظ عقوبت، حد قرار گرفته و انواع مختلفی دارد و تنها به معنای تازیانه نیست، نشان می‌دهد که تعزیر از نظر او منحصر در ضرب و تازیانه نبوده است.

فاضل هندی در «کشف اللثام» می‌نویسد:

ثمَّ وجوب التعزير في كلِّ محرم من فعل أو ترك أن لم ينته بالتهمي والتوبيخ ونحوها فهو ظاهر لوجوب انكار المنكر، واما ان انتهى بما دون الضرب فلا دليل عليه الا في مواضع مخصوصة ورد النص فيها بالتأديب أو التعزير.^{۴۳}

ظاهر این گفتار آن است که در موارد تعزیر می‌توان از توسل به تازیانه از طرق دیگر استفاده کرد و چنانچه از راههای دیگر مؤثر واقع شود، دلیلی بر جواز توسل به ضرب نیست. مرحوم شیخ محمدحسن نجفی در کتاب جواهر نیز پس از نقل سخن یاد شده احتمال داده که تعزیر در کلمات فقها مفهومی گسترده داشته باشد که شامل ضرب و مادون آن بشود و به ظواهر بعضی از نصوص در این باره استدلال کرده است.^{۴۴} شهید ثانی در مسالک می‌نویسد: «والتعزیر لغة: التأديب، وشرعاً: عقوبة او اهانة لا تقدير لها بأصل الشرع غالباً.^{۴۵} در این عبارت برای تعزیر، مفهومی گسترده بیان شده که شامل انواع عقوبتها، توبیخها و اهااتهاست که به منظور تأدیب انجام می‌گیرد.

مرحوم سید علی طباطبایی نیز در کتاب ریاض المسائل می‌نویسد:

ثم وجوب التعزير في كل محوم من فعل او ترك ان لم يحصل الانتهاء بالهني والتوبيخ و نحوها فهو ظاهر، لوجوب انكار المنكر؛ اما مع الانتهاء بها فلا دليل على التعزير مطلقاً الا في مواضع مخصوصة ورد النص بالتأديب او التعزير فيها، و يمكن تعميم التعزير في العبارة و نحوها لمادون الضرب ايضاً من مراتب الانكار.^{۴۶}

این عبارت نیز به روشنی بیان می‌کند که تعزیر برای تأدیب انجام می‌گیرد و شکل معین و مخصوصی ندارد و مادام که مراتب سبک‌تر از تازیانه، مؤثر است، نوبت به تازیانه نمی‌رسد. حتی گاه مجرد توبیخ و سرزنش و ملامت کفایت می‌کند.

از کلمات این فقهای بزرگ و امثال آن می‌توان استفاده کرد که مجازاتهای تعزیری منحصر در تازیانه نیستند و اینکه بیش‌تر فقها بر ضرب تکیه کرده‌اند، برای این است که مصداق شایع و معروف در آن زمان بوده است.

۲. برای مجازاتهای تعزیری به روایات فراوانی استناد شده است. این روایات به چند

دسته تقسیم می‌شوند:

۱ - ۳. دسته اول روایاتی‌اند که در آنها به ضرب، ضرب دون الحد و مانند آن تصریح

شده است.^{۴۷} در بیش‌تر این روایات مقدار مجازات تعزیری مشخص نشده است؛ ولی در پاره‌ای از روایات به میزان زدن کم و بیش تصریح شده است.^{۴۸}

۲ - ۳. دسته دوم روایاتی‌اند که در آنها به جای تعزیر واژه «تأدیب» به کار رفته است.

کلمه تأدیب مفهومی گسترده دارد و نمی‌توان آن را منحصر به «ضرب» دانست. به عنوان

نمونه در حدیثی ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «در کتاب علی علیه السلام چنین آمده است که اگر مردی را با پسری در زیر یک لحاف، برهنه ببیند [هرچند عمل نامشروع لواط ثابت نباشد] ضَرِبَ الرَّجُلُ وَ أَدَبَ الْعُلَامُ [مرد را تازیانه زده، غلام را تأدیب می‌کنند].»^{۴۹}

در روایتی دیگر دربارهٔ رباخوار آمده است: «أَكِلُ الْوَبَا بَعْدَ الْبَيْتَةِ؟ قَالَ: يُؤَدَّبُ، فَإِنْ غَادَ أَدَبٌ فَإِنْ غَادَ قَتِيلٌ.»^{۵۰} براساس این روایت، کسی که آگاهانه رباخواری می‌کند، در مرحلهٔ اول تأدیب و در مرحلهٔ دوم نیز تأدیب می‌شود. بی‌گمان منظور از تأدیب همان تعزیر است. در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) آمده است: «أَكِلُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَيْزِرِ عَلَيْهِمْ أَدَبٌ فَإِنْ غَادَ أَدَبٌ؛ کسی که مردار، خون و گوشت خوک بخورد باید ادب شود، در مرتبهٔ دوم نیز تأدیب گردد.» سپس راوی می‌پرسد: «اگر تکرار کند، دوباره تأدیب می‌شود؟» حضرت فرمود: «يُؤَدَّبُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِمْ [عَلَيْهِ] حُدٌّ.»^{۵۱}

۳-۳. دسته سوم روایاتی‌اند که در آنها به جای کلمهٔ تعزیر، به «عقوبت» تعبیر آورده شده است. این تعبیر نیز نشانگر مفهومی وسیع‌تر از واژهٔ تعزیر است؛ چنان که در حدیثی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود: «وقتی کسی به دیگری بگوید: تو خبیث یا خوک هستی، حدّ بر او جاری نمی‌شود؛ ولی باید او را اندرز داد و قدری عقوبت کرد.»^{۵۲}

در روایتی دیگر دربارهٔ کسی که حیوانی را وطنی کند، از امام علی (ع) نقل شده است که فرمود: «لَا رَجْمَ عَلَيْهِ وَ لَا حُدَّ وَ لَكِنْ يُنَاقَبُ عُقُوبَةً مُوجَعَةً؛ چنین کسی سنگسار نمی‌شود و حدّی بر او نیست؛ ولی باید به گونه‌ای دردناک عقوبت شود.»^{۵۳}

این دسته روایات نیز نشان می‌دهد که تعزیر مفهومی گسترده دارد و با واژهٔ «عقوبت»، که مفهومی عام دارد، یکسان است و منحصر در ضرب و زدن نیست.

۳-۴. دسته چهارم روایاتی‌اند که در آنها به مصادیق دیگری غیر از ضرب تصریح شده است و از این گونه روایات نیز می‌توان استفاده کرد که تعزیر منحصر در تازیانه نیست و هر آنچه را در بازدارندگی مجرم از ارتکاب جرم مؤثر است، می‌تواند شامل شود. به عنوان نمونه نقل است که یک نصرانی مسلمانی را دشنام داده و گفته بود: «ای زناکار!» امام صادق (ع) فرمان داد تا هشتاد تازیانه به مناسبت حق مسلمانی و هفتاد و نه تازیانه برای حرمت اسلام به او بزنند. سپس سر او را تراشیده، میان همکیشان خود بگردانند تا برای دیگران عبرت شود.^{۵۴}

همچنین نقل است مردی را نزد امام علی(ع) آوردند که در بستر زنی اجنبی بوده و در خانه آن زن گرفتار شده بود. امام پرسید: «جز اینکه در بستر زن اجنبی بوده، چیز دیگری از او دیده‌اید؟» گفتند: «نه.» فرمود: «او را به مستراح برده، به پشت و شکم در کنافت بغلطانید و سپس آزادش کنید.»^{۵۵}

در روایتی کفاره و جریمه مالی به عنوان تعزیر در کنار ضرب قرار گرفته است؛ آنجا که کسی در حال عادت ماهانه همسرش با وی مباشرت کند. از امام صادق(ع) نقل شده است که اگر در نخستین روزهای عادتش باشد، باید یک دینار صدقه بدهد و بیست و پنج ضربه تازیانه بخورد. اگر در روزهای آخر عادتش باشد، باید نصف دینار صدقه بدهد و دوازده و نیم ضربه تازیانه هم به او زده شود.^{۵۶}

در روایت دیگری به حبس نیز به عنوان تعزیر تصریح شده است؛ آنجا که نقل شده است مردی را خدمت علی(ع) آوردند که گوشواره‌ای را از گوش دختری ربوده بود. حضرت فرمود: «این دزدی آشکار است [و قطع بد ندارد].» سپس حضرت او را زد و زندانی کرد.^{۵۷}

۳-۵. دسته پنجم روایات تعزیر احادیثی‌اند که به علل و غایات حکم در آن تصریح شده است و علل و غایات حکم همیشه می‌تواند مفهوم حکم را وسعت بخشند یا محدود کنند. به عنوان نمونه، شخصی به محضر امام علی(ع) برای دادخواهی آمد و عرض کرد: «این مرد نسبت بدی به من داده است و می‌گوید: در خواب دیده که با مادر من عمل منافی عفت کرده است.» حضرت فرمود: «خواب همچون سایه است. اگر بخواهی، سایه او را برای تو تازیانه می‌زنم.» سپس فرمود: «لِكِنِّي أَوْ دِبُّهُ لِنَلَا يَغُودَ يُؤْذِي الْمُسْلِمِينَ؛ اَمَا او را تأدیب می‌کنم تا دیگر چنین سخنی بر زبان نیاورد و مایه آزار مسلمانان را فراهم نسازد.»^{۵۸}

در روایتی دیگر آمده است: «سَتَوْجَعُهُ ضَرْبًا وَجِيعًا حَتَّى لَا يُؤْذِيَ الْمُسْلِمِينَ.»^{۵۹} از همه این روایات جز دسته اول برمی‌آید که تعزیر منحصر در تازیانه نیست و انواع مجازاتها را شامل می‌شود که برخی از آنها عبارت‌اند از: تهدید، زندانی کردن، در شهر گرداندن، تبعید، آلوده کردن به کنافات و جریمه مالی کردن.

۴. گذشته از دلایل یاد شده ضرورت‌های فردی و اجتماعی نیز اقتضا می‌کند که تعزیر منحصر در تازیانه نباشد؛ زیرا گاه اجرای مجازات تعزیری در شکل ضرب امکان ندارد و در صورت امکان بی‌تأثیر است. آیا در چنین مواردی باید تعزیر در تمام شکل‌های خود تعطیل شود یا به صورت دیگری غیر از ضرب درآید که هدف منصوص در تعزیر از آن تأمین گردد؟

برای مثال، امروزه سفر با وسایل نقلیه سریع السیر جزو زندگانی بشر شده است به طوری که تفکیک آن از زندگی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، اگر مقررات و نظامی برای این امر در نظر گرفته نشود، منجر به اتلاف نفوس، تضییع اموال و اختلال نظام جامعه می‌شود و به طور مسلم در چنین شرایطی حکومت اسلامی موظف است با وضع مقررات صحیح و عادلانه و استفاده از نظر خبرگان راهنمایی و رانندگی از اتلاف و تضییع نفوس و اموال و اختلال نظام جلوگیری کند.

بدون تردید، تعزیر متخلفان از این مقررات، جلو بسیاری از تخلفات را می‌گیرد. اما آیا می‌توان همه متخلفان را که گاه در یک روز به هزاران نفر می‌رسند، از طریق ضرب، تعزیر کرد؟ چنین کاری به هیچ وجه ممکن نیست مگر در عالم خیال و پندار. وانگهی این تخلفات در حدی نیست که برای تعزیر آن به حبس و زندان توسل جسته شود و چنین کاری نیز عملی نخواهد بود.

از طرفی اگر تعزیر متخلفان به طور کلی برداشته شود، شکستن این مقررات بسیار آسان خواهد شد و قانونی که ضمانت اجرایی ندارد، وجود و عدمش مساوی است و بیش از یک موعظه محسوب نمی‌شود. اینجاست که چاره‌ای جز این نیست که برای آن، نوع دیگری از تعزیر یعنی تعزیر مالی و جریمه عادلانه مالی در نظر گرفته شود، وگرنه اختلال نظام و اتلاف نفوس و اموال، حتمی خواهد شد.

امکان دارد در مواردی جریمه مالی مفید نباشد و زندان در بازدارندگی مؤثر باشد. برای مثال درباره متخلفان رباخوار و افراد محترک و کم‌فروش، ممکن است جریمه مالی هیچ مهم نباشد و به دلایلی تعزیر از طریق ضرب نیز میسر نباشد. در این گونه موارد نمی‌توان قانون‌شکنان را رها ساخت و چاره‌ای نیست جز اینکه برای بازدارندگی آنها از تخلف، حبس در زندان مقرر شود.^{۶۰}

بنابراین، امکان ندارد که تعزیر منحصر در ضرب باشد؛ بلکه حاکم شرع باید آن را در مفهوم وسیعش به کار گیرد، به ویژه اینکه دلایل متعددی هم برای توسعه مفهوم تعزیر در دست داریم؛ چنان که ذکر شد.

نهایت آنکه می‌توان در کیفیت مجازاتهای تعزیری میان تعزیرات شرعی و حکومتی تفاوت قائل شویم و بگوییم: در تعزیرات شرعی، مجازات مجرمان از طریق تازیانه - با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت جرم و حال مجرم - امری مجاز است؛ ولی انواع دیگر مجازاتها از

قبیل زندانی کردن، تبعید، جریمه مالی و مانند آن در تعزیرات حکومتی مانعی ندارد؛ چنان که این مطلب در ضمن دو استفتاء از محضر امام خمینی قدس سره فهمیده می‌شود.

استفتاء اول: برای اداره امور کشور قوانینی در مجلس تصویب می‌شود مانند قانون قاچاق، گمرکات و تخلفات رانندگی، قوانین شهرداری و به طور کلی احکام سلطانیه، و برای اینکه مردم به این قوانین عمل کنند، برای متخلفین مجازاتهایی در قانون تعیین می‌کنند. آیا این مجازاتها از باب تعزیرات شرعی است و احکام شرعی تعزیرات از نظر کم و کیف بر آنها بار است، یا قسم دیگر است و از تعزیرات جدا هستند و اگر موجب خلاف شرع نباشد باید به آنها عمل کرد؟

جواب: در احکام سلطانیه غیر از تعزیرات شرعیه متخلفین را به مجازاتهای بازدارنده به امر حاکم یا وکیل او می‌توانند مجازات کنند.^{۶۱}

مجازاتهای بازدارنده در تعبیر حضرت امام(ره) اموری از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن را دربرمی‌گیرد.^{۶۲}

استفتاء دوم: حبس، نفی بلد، تعطیل محل کسب، منع از ادامه خدمت در ادارات دولتی، جریمه مالی و به طور کلی هر تنبیهی که به نظر می‌رسد موجب تنبیه و خودداری از ارتکاب جرایم می‌گردد، جایز است به عنوان تعزیر تعیین شود یا در تعزیرات به مجازاتهای منصوص باید اکتفا کرد؟

جواب: در تعزیرات شرعیه احتیاط آن است که به مجازاتهای منصوصه اکتفا بشود، مگر آنکه جنبه عمومی داشته باشد، مثل احتکار و گران‌فروشی که با مقررات حکومتی داخل در مسأله بعدی می‌باشد.^{۶۳}

موارد تعزیرات شرعی

فقه اسلامی به موارد متعددی از تعزیرات شرعی تصریح کرده است. برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. هرگاه شخصی به کم‌تر از چهار بار به انجام عمل منافی عفت مانند زنا یا لواط اقرار کند؛

۲. هرگاه شخصی بکارت زنی را جز همسر و کنیز خود با انگشت زایل کند؛

۳. تأدیب کودکان و بردگان متخلف و مجرم در صورت ارتکاب جرم همچون دزدی؛

۴. هرگاه شخصی به شرابخواری و دیگر موارد حرام در شریعت از قبیل فروش مردار، خون و گوشت خوک و رباخواری با آگاهی به حرمت آنان مرتکب شود؛
۵. نبش قبر مسلمان؛
۶. دزدی که دست راست ندارد و همچنین دزدی که در مرتبهٔ دوم دزدی خود گرفتار شده و پای چپ ندارد؛
۷. افراد جیب‌بر، اختلاس‌کننده، کلاهبردار و کسی که با حيله و نیرنگ و جعل سند و امضا به دزدی و اخاذی اموال بپردازد؛
۸. تعدد در ادرار کردن و انداختن مدفوع در مسجد الحرام؛
۹. گواهی دروغ دادن؛
۱۰. وارد شدن مرد در زیر پوشش رختخواب زن بیگانه؛
۱۱. افتراء بستن [قذف] به زناکاری بر کودک یا برده یا کنیز خود و یا بر اهل ذمه؛
۱۲. افتراء بستن پدر بر فرزند خود و یا همسر مرده‌اش؛
۱۳. هرگاه دو نفر زن به یکدیگر نسبت زنا دهند؛
۱۴. افطار کردن در ماه رمضان. ۶۴

موارد تعزیرات حکومتی

در سیرهٔ حکومتی پیغمبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و امام علی علیه‌السلام به موارد متعددی از تعزیرات حکومتی می‌توان برخورد که بعضی از آنها در ضمن همین مقاله آمده است. ماجرای سَمُرَة بن جُنْدَب و دستور پیامبر(ص) به قطع درخت او، تخریب مسجد ضرار، آتش زدن منزل کسانی که از حضور در مسجد و نماز جماعت کوتاهی می‌کردند و پیامبر اکرم(ص) به عنوان حاکم مسلمانان با این سهل‌انگاری برخوردی شدید کرد. تعزیر مالی برای مشاغل حرام، شکستن ظروف و خمره‌های شراب، آتش زدن لانهٔ جاسوسی منافقان در جریان غزوة تبوک و تعزیر مالی همراه تأدیب برای کسی که میوه‌های نارس را از درخت ربوده بود، نمونه‌هایی از تعزیرات حکومتی در عصر پیغمبر اکرم(ص) است. ۶۵

حکم به آتش زدن غذاهای احتکار شده، تخریب و یا آتش زدن منزل مخالفین، تخریب محل فساد و مانند آن نمونه‌هایی از تعزیرات حکومتی در عصر امام علی علیه‌السلام است. ۶۶

موارد تعزیرات حکومتی در قانون مجازات اسلامی به فرار زیر است:

۱. جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور؛
۲. اهانت به مقدّسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی؛
۳. سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی؛
۴. تهیه و ترویج سگّه قلب؛
۵. جعل و تزویر؛ از قبیل ساختن نوشته یا سند یا ساختن مُهر یا امضای اشخاص و مانند آن؛
۶. محو یا شکستن مُهر و پلمپ و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی؛
۷. فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصّرین؛
۸. غصب عناوین و مشاغل؛
۹. تخریب اموال تاریخی و فرهنگی؛
۱۰. تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی؛
۱۱. رشوه، ربا و کلاهبرداری؛
۱۲. امتناع از انجام وظایف قانونی؛
۱۳. تعدّبات مأمورین دولتی به دولت؛
۱۴. تمرد نسبت به مأموریت دولت؛
۱۵. هتک حرمت اشخاص؛
۱۶. اجتماع و تبانی بر ارتکاب جرایم؛
۱۷. جرایم علیه اشخاص و اطفال؛
۱۸. جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی؛
۱۹. جرایم بر ضد حقوق تکالیف خانوادگی؛ مانند نپرداختن نفقه زن در صورت استطاعت مالی و تمکین زن، عقد کردن زن شوهردار یا زنی که در عده دیگری است از روی علم و آگاهی و مانند آن.
۲۰. قسم و شهادت دروغ و افشای سرّ؛
۲۱. سرقت و ربودن مال غیر؛
۲۲. تهدید و اکراه؛
۲۳. ورشکستگی؛ مانند ورشکستگی به تقصیر یا تقلّب؛

۲۴. خیانت در امانت؛
۲۵. احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات؛
۲۶. هتک حرمت منازل و املاک غیر؛
۲۷. افتراء و توهین و هتک حرمت؛
۲۸. تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی؛
۲۹. جرایم ناشی از تخلفات رانندگی.^{۶۷}

خلاصه

در نظام حقوقی اسلام برای برقراری عدالت، نظم و امنیت و پیشگیری از جرایم، قوانینی مترقی و جامع تعبیه شده است. تعزیرات از آن جمله است. تعزیرات، عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع مشخص نشده است و آن بر دو گونه است: تعزیرات شرعی؛ تعزیرات حکومتی.

تعزیرات شرعی مواردی دارد که در فقه تبیین شده است و به برخی از آنها در ضمن مباحث اشاره شد. تعزیرات حکومتی نیز مواردی دارد که به مقتضای زمان و مکان و براساس شرایط حاکم و مصالح عمومی از طرف حکومت اسلامی اعلام می‌شود. برخی از موارد تعزیرات حکومتی که در قانون مجازات اسلامی جمهوری اسلامی ایران تبیین شده، به‌طور فهرست‌وار اشاره شد.

گرچه در پاره‌ای از نصوص به تعزیر با تازیانه تصریح شده است، ولی تعزیر منحصر به آن نیست و انواع مجازات‌ها از قبیل حبس، تبعید، جریمه مالی و مانند آن‌ها را شامل می‌شود و شارع مقدس، دست حکومت اسلامی و حاکم شرع را در تعیین نوع، کمیت و کیفیت تعزیر بازگذاشته تا آنچه را مصلحت می‌بیند در حق مجرمان اجرا کند. نهایت سخن این است که در تعزیرات شرعی براساس نص عمل می‌شود، ولی در تعزیرات حکومتی دست حاکم اسلامی در انتخاب انواع مجازات‌های تعزیری باز است و می‌تواند براساس مصالح و شرایط حاکم تصمیم بگیرد و متخلفان را به سزای اعمالشان برساند.

پی نوشتها:

۱. ر. ک. عبدالکریم بی آزار شیرازی، رساله نوین، ج ۴، ص ۳۱۶.
۲. ر. ک. حسین مهرپور، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، انتشارات اطلاعات، چاپ اول، ص ۱۰۰ - ۱۰۱.
۳. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحدیث والاثیر، قم، اسماعیلیان، واژه عزر.
۴. ابن منظور، لسان العرب، دار صادر، بیروت، واژه عزر.
۵. همان.
۶. جوهری، صحاح اللغة، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷، واژه عزر.
۷. سعید الخوری شرتونی، اقرب الموارد فی فصح العربیه والشوارد، دارالاسوة، سال ۱۳۷۴ هـ. ش، واژه عزر.
۸. ابن اثیر، النهاية، واژه عزر.
۹. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، واژه عزر.
۱۰. فتح (۴۸)، آیه ۹.
۱۱. مائده (۵)، آیه ۱۲.
۱۲. جوهری، صحاح اللغة، واژه عزر.
۱۳. اعراف (۷)، آیه ۱۵۷.
۱۴. ابن منظور، لسان العرب، واژه عزر.
۱۵. همان.
۱۶. محقق حلی، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، بیروت، ج ۴، ص ۱۳۶.
۱۷. شهید ثانی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، مؤسسة المعارف الاسلامیه، قم ۱۴۱۷ هـ. ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵.
۱۸. اگر چه اصل در تعزیر این است که مقدار مجازات در آن مشخص نباشد و اغلب موارد نیز چنین است؛ اما در پنج مورد از موارد تعزیر، مجازات مشخص شده است که عبارتند از: ۱- کسی که در روز ماه رمضان یا همسرش نزدیکی کند به ۳۵ ضربه شلاق تعزیر می شود. ۲- کسی که زن آزادی را بدون اجازه اش به عقد برده ای درآورد و دخول نیز صورت گیرد به ۱۲/۵ ضربه شلاق تعزیر می گردد. ۳- دو نفری که زیر یک پوشش لخت خوابیده باشند به ۳۰ تا ۹۹ ضربه شلاق محکوم می شوند. ۴- کسی که بکارت دختری را با انگشت زایل کند ۳۰ تا ۷۷ یا ۳۰ تا ۸۰ یا ۳۰ تا ۹۹ ضربه تازیانه تعزیر می شود. ۵- زن و مرد نامحرمی که زیر یک پوشش لخت خوابیده باشند به ۱۰ تا ۹۹ ضربه شلاق محکوم می گردند.
۱۹. ماوردی، احکام سلطانیه، ص ۲۳۶.
۲۰. عبدالرحمان جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۵، ص ۳۹۷.
۲۱. قانون مجازات اسلامی مصوّب مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۲. شهید ثانی، القواعد والفوائد فی الفقه والاصول والعربیه، ج ۲، ص ۱۴۲.
۲۳. منظور از کیفیات مخفّفه این است که قاضی در تعزیرات می تواند شرایط و موقعیتهای مجرم و کیفیت جرمه را ملاحظه کند؛ عقوبت خفیف را در حق مجرم اختیار کند و کمترین مقدار تعزیر را اجرا نماید یا تعزیر را براساس مصالحی در حق او اجرا کند؛ ولی در حدود قاضی نمی تواند مجرم یا کیفیت جرمه را ملاحظه کرده، تخفیفی در مجازات بدهد.

۲۴. عبدالقادر عوده، دار احیاء التراث العربی - بیروت، ج ۱، ص ۸۱ - ۸۳.
۲۵. سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، فقه الحدود والتعزیرات، ص ۵۴.
۲۶. شیخ عبدالحمزّ الکتانی، التراتیب الاداریة «نظام الحكومة النبویة»، بیروت، ج ۱، ص ۳۰۱.
۲۷. ابی داود، سنن ابی داود، مطبعة مصطفى البابي الحلبي و اولاده بمصر، سنة ۱۳۷۱ هـ. ق، ج ۲، ص ۵۸۰.
۲۸. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، اسلامیة، ج ۱۸، ص ۳۰۹.
۲۹. همان، ص ۲۴۴.
۳۰. همان، ص ۵۰۳.
۳۱. فاضل هندی، كشف اللثام، ج ۲، ص ۴۱۱.
۳۲. ر. ک. دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۴۳۹.
۳۳. حدید (۵۷)، آیه ۱۷؛ ترجمه آیه: خداوند زمین را پس از مردنش زنده می‌کند.
۳۴. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۰۱.
۳۵. همان، ص ۵۸۶.
۳۶. همان، ص ۵۲۲.
۳۷. همان، ص ۴۵۱.
۳۸. همان، ص ۵۷۸.
۳۹. قتل شبه عمد آن است که کاری که غالباً کشنده نیست بدون قصد کشتن انجام دهد مانند زدن یا تازیانه و مانند آن برای تأدیب. قتل خطای محض آن است که فاعل نه قصد انجام کار موجب قتل را دارد و نه قصد کشتن کسی را؛ مانند آنکه برای شکار، تیری رها کند یا سنگی بیندازد، ولی به انسانی برخورد و او را بکشد. (ر. ک. امام خمینی(ره)، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۵۵۴، مسأله ۵ و ۷)
۴۰. امام خمینی(ره)، تحریرالوسیله، نجف اشرف، ج ۲، ص ۴۷۷، (الخامس).
۴۱. ر. ک. حسین مهرپور، دیدگاههای جدید در مسائل حقوقی، ص ۱۰۲.
۴۲. محقق حلّی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۱۳۶.
۴۳. فاضل هندی، كشف اللثام، ج ۲، ص ۴۱۵.
۴۴. ر. ک. شیخ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲۵۷.
۴۵. شهید ثانی، مسالک الافهام، ج ۱۴، ص ۳۲۵.
۴۶. سید علی طباطبایی، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالذّلال، ج ۲، ص ۴۸۳.
۴۷. ر. ک. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۴۴.
۴۸. ر. ک. همان، ص ۳۶۳ - ۳۶۸، ۴۰۹ - ۴۱۰، ۴۱۵ و ۴۸۵.
۴۹. همان، ص ۴۲۱.
۵۰. همان، ص ۵۸۰.
۵۱. همان، ص ۵۸۱.
۵۲. همان، ص ۴۵۲.
۵۳. همان، ص ۵۷۳.

۵۴. همان، ص ۴۵۰.
۵۵. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۸.
۵۶. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۵۷۵.
۵۷. همان، ج ۱۸، ص ۵۰۳.
۵۸. همان، ص ۴۵۸.
۵۹. همان.
۶۰. ر. ک. آیه الله مکارم شیرازی، مقاله «تحلیلی پیرامون مسأله تعزیرات در اسلام» در مجله نور علم، شماره ۸، ص ۴۴-۳۳.
۶۱. استفتاءات از محضر امام خمینی قدس سره، ج ۳، ص ۵۰۵، ص ۷۰.
۶۲. ر. ک. قانون مجازات اسلامی.
۶۳. استفتاءات، ج ۳، ص ۴۵۶، س ۴. (منظور از مسأله بعدی سؤال و جوابی است که به عنوان استفتای اول ذکر شد).
۶۴. ر. ک. دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۴۳۹.
۶۵. ر. ک. ثقة الاسلام کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۹۴؛ امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج ۵، ص ۱۱۰؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۲۷؛ ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۸۷۱-۸۷۲؛ ترمذی، سنن ترمذی، ج ۲، ص ۳۷۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۱۶؛ مرحوم مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۳، ص ۳۵۹.
۶۶. ر. ک. وقعة صفین، ص ۶۰ و ۹۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۴۰۴.
۶۷. ر. ک. محمدحسن وطنی، مجموعه کامل قوانین و مقررات جزایی، انتشارات فردوسی، چاپ اول ۱۳۶۳، ص ۳۱۰-۳۶۵.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی